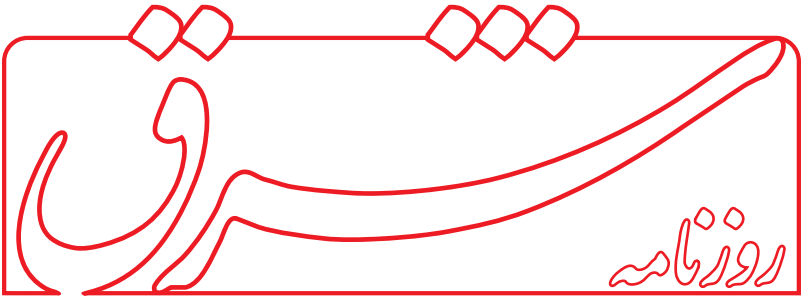




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhmagdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۱:۴۸ آذان مغرب ۱۷:۳۲ آذان صبح فردا ۴:۵۹ طلوع آفتاب ۶:۲۳



دوشنبه ۶ آبان ۱۳۹۲ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۶۷ صفحه ۱۶

تقدیر از «پوران درخشنده» در کانادا



ایستاد: همزمان با نمایش فیلم «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» از پوران درخشنده به خاطر یک عمر فعالیت هنری در سینما «یورک» تورنتو تقدیر شد. شنبه ۲۵ اکتبر برابر با چهارم آبان همزمان با نمایش فیلم «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» مراسم تجلیل و تقدیر از یک عمر فعالیت هنری پوران درخشنده در سینما یورک تورنتو برگزار شد. آخرین هفته اکران فیلم «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» تا ۳۱ اکتبر برابر با پنجشنبه ۹ آبان هر شب ساعت ۲۰ ادامه خواهد داشت.

درام‌های تلفنی

استاد



سوسن مقصودلو

● - سلام استاد
- سلام خانم! چطور؟
- به لطف شما بد نیستم. چه می‌کنید؟
- الان یا اصولاً...
- ...
- همین الان دارم به مقاله می‌خونم درباره اینکه «چرا دیگر کتاب نمی‌خوانم».
- مال کیه؟
- آرتور کریستال ترجمه احسان لطفی.
- نشنیدم.
- عنوان اصلی مقاله «آوای دوردست ورق‌هاست».
- چه خشنگ.
- بعله، بنار چند سطر شو برات بخونم؛ جالبه.
- لطف می‌کنید.
- ممکن است به نظر خیلی‌ها این اعتراف؛ چندان تکان‌دهنده نباشد اما برای کسی که لایه‌لای کتاب‌ها بزرگ شده، کسی که اولین دوست‌هایش کسانی بودند که می‌توانسته درباره کتاب‌ها با آنها حرف بزند و کسی که... خسته شدی؟
- نه بفرمایید داشتم گوش می‌دادم.
- و کسی که نوشتن و خواندن و درس‌دادن کتاب‌ها برایش محترم و ناگزیر بوده است؛ بی‌علاقه شدن به ادبیات دست کمی از دیگر عاشق نبودن ندارد.
- عاشق نبودن؟
- آره جالبه؛ میگه «عاشق بودن و بعد عاشق نبودن عملاً به‌معنای تغییر بنیادین شخصیت است؛ ما نه‌تنها ارتباطمان را با دیگری از دست می‌دهیم بلکه در رابطه با خودمان هم چیزی را گم می‌کنیم. به یک روایت؛ هویت پیشین‌مان؛ کسی که سابق بودیم حالا دیگر وجود ندارد» - و این نویسنده...
- آرتور کریستال.
- ایشان چرا دیگر به ادبیات علاقه ندارد؟
- دلیلش مفصل بررسی کرده.
- اتفاقاً الان داشتم با محمود تلفنی صحبت می‌کردم.
- کدوم محمود؟
- همون که با هم دایی و انیا را کار کردیم.
- خب.
- تمام مثال‌های ما از دایی و انیا بود. اصلاً انگار هر آنچه را که قبلاً فقط بلغور می‌کردیم الان جزو تجربیات خودمان شده
- جالبه - در یک جای این مقاله میگه؛ ما فقط کتاب‌ها را نمی‌خواندیم به آنها تبدیل می‌شدیم. ما کتاب‌ها را به درون‌مان می‌بردیم و همان‌طور که تو گفتی؛ اونم میگه «آنها را به سرنوشت خودمان تبدیل می‌کردیم»
- خیلی دوست دارم این مقاله را بخونم و اینکه چرا الان دیگه به ادبیات علاقه ندار.
- گفتیم که مفصل توضیح داده؛ باید بخونی، راستی محمود چکار می‌کنه؟
- استاد برای همین زنگ زدم من نگراتشم.
- چی شده؟
- حالش خوب نیست. آدمی با آن همه استعداد بیکار و بی‌مصرف در خونه پدیش به قول خودش روزارو می‌مانونه
- روزها را می‌مالاند. چه اصطلاح جالبی. نشنیده بودم.
- خیلی غم‌انگیزه.
- مگه زن و بچه نداشت؟
- داره با زنش منار که می‌کنه.
- خب از دست من چه کاری برمی‌آید؟
- میشه شما باهاش صحبت کنید. شاید از خر شیطان پیاده بشه.
- هیات به قول نصرت رحمانی از ما گذشت باید به ابر پیام‌وزیم تا از عطش نمیرد. باید به قفل‌ها سپاریم با بوسه گشوده‌شوند بی‌رحمت کلید.
- جریان به این سادگی‌ها نیست.
- بله روزگار پیچیده‌ای است.
- یعنی نمیشه کاری کرد؟
- جلدو جو چیز را نمی‌توان گرفت یک عشق، دو دعو!.
- آخه گاهی حرفای یک شخص فہیم می‌تونه راهگشا باشه
- فہیم؟ پسرم میگه کل کتابخونه من در یک سی‌دی جامی گیره
- پسر منم میگه به‌جای این نمایش‌های بی‌سرانجام اگر یک پل علربیده بسازند حداقل می‌تونید مردم از روش رد میشن و زیر ماشین نمبرن.
- چه بلزمو پسرست چندسالشه؟
- ۲۶ سال.
- عجب زمان زود می‌گذرد.
- ...
- رشته خودش فنی است؟
- بله.
- چه کار خوبی کردی نداشتی تئاتر بخونه.
- شما فرمایشی ندارین.
- سلام برسون. عنوان مقاله آوای دوردست ورق‌هاست. یادته نرم.

«امیر حسین چهلتن» میهمان امسال جشنواره «متروپلیتن»

تهران خوانی «چهلتن» در آلمان

شرق: امیرحسین چهلتن، امسال میهمان سومین دوره جشنواره ادبی متروپلیتن است. چهلتن قرار است در این جشنواره تکه‌هایی از سه رمانش را که در آنها تهران به‌عنوان یک شخصیت، حضوری برجسته دارد، برای حاضران بخواند. سومین دوره جشنواره متروپلیتن از تاریخ ۲۹ اکتبر تا ۲ نوامبر (۲ تا ۱۱ آبان‌ماه)، با عنوان «شهر روایت‌شده» در فرانکفورت و دارمشتات آلمان برگزار می‌شود. این جشنواره به دعوت از نویسندگانی می‌پردازد که ساکن شهرهای بزرگ جهان هستند و در آثارشان به شهر زادگاه خود توجه ویژه‌ای دارند. گفتنی است که امسال برای اولین‌بار نویسندگانی از ایران



که در اغلب رمان‌هایش، به شهر و به‌طور مشخص شهر تهران، توجهی ویژه نشان داده است. او خود در پاسخ به این پرسش که چرا از بین رمان‌های او این سه رمان خاص برای خواندن انتخاب شده‌اند، می‌گوید: «این سه رمان، تنها رمان‌های من هستند که به آلمانی ترجمه شده‌اند» چهلتن دلیل دیگر انتخاب این سه رمان را حضور پررنگ جغرافیای تهران و اماکن شهری و همچنین حضور حیات اجتماعی تهران در آنها می‌داند و می‌گوید: «در رمان تهران، خیابان انقلاب من بازار تهران را از مسیر توپخانه تا راسته باب همایون و ناصرخسرو، با به پای یکی از قهرمانان رمان پیروادم و جغرافیای آن را توصیف کرده‌ام و در آن به بخشی از اتفاقات مهم تاریخی که با جغرافیای تهران گره خورده است پرداخته‌ام» چهلتن می‌گوید: «در رمان آمریکایی‌کشی هم جغرافیای تهران هست، مثل مسیرهایی در نقاط مختلف تهران که کودکان چایان از آن حرکت می‌کنند؛ از سه رمانی

خبر آخر

با رای هیات‌مدیره «خانه‌موسیقی»:

استعفای پیرنیاکان پذیرفته نشد

شرق: استعفای داریوش پیرنیاکان که به‌دلیل حواشی پیش‌آمده پس از سخنانی که در جشن «خانه‌موسیقی» از سمت دبیری و سخنگویی خانه‌موسیقی، استعفا داده بود، پذیرفته نشد. به گزارش سایت «خانه‌موسیقی»، در متن تنظیم‌شده توسط محمد سریر، رئیس هیات‌مدیره خانه‌موسیقی، درباره پذیرفته‌نشدن این استعفا آمده است: «متعاقب جلسه‌فوق‌العاده‌روز شنبه‌هیات‌مدیره‌خانه‌موسیقی به‌منظور بررسی استعفای آقای داریوش پیرنیاکان از سمت دبیر و سخنگویی این نهاد با عدم‌پذیرش این استعفا و احاله موضوع به شورایعالی، جلسه شورایعالی خانه‌موسیقی در

ادامه از صفحه اول

آموزه‌های یک عدم اعتماد

جذب و جلب نمایندگانی که در سر سودای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌ها و اعتلای ایران عزیز را دارند بکوشد تا بتواند اهداف خویش را که همانا تحقق شعارهای مردمی است که در گفتار و بیانات رئیس‌جمهور محترم تجلی یافت و مردم به آن رای دادند را محقق سازد.

های کلش رئیس‌جمهور محترم بنا به تقاضای برخی نمایندگان و همکاران در جلسه نوبت عصر مجلس نیز حضور می‌یافتند و برخی شبهات را از موضع یک عالم دینی و سیاستمدار مجرب پاسخ می‌گفتند و هم احساس احترام نمایندگان را برمی‌انگیختند. گرچه این حادثه، خصوصاً آنجا که به شخصیت ارشمند برابری که تمامی عمر خویش را صرف پیشبرد اهداف والای انقلاب‌اسلامی کرده است، خدشه وارد کرد و اهانت‌هایی بر سر روا داشته شد که دل هر انسان دردمند و دل‌بسته به انقلاب و پایبند به اخلاق و فضیلت را از جریحه‌دار می‌سازد، اما اگر تلنگری باشد به دولت تا در آغاز راه، نسبت به ناکاهی‌ها و کمرآوی‌های دولت‌های گذشته اندیشه کند و علل و اسبابی که این نتایج را باعث شد مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهد و با قراردادن قطار دولت در مسیری که با سرعت قابل‌قبول بتواند خواسته‌های مردم را محقق کند و پیشرفت و توسعه و تعالی ایران و ایرانیان را موجب شود، آنگاه می‌توانیم نتیجه بگیریم که دولت تدبیر و امید تجربیات را منتظم می‌شمارد و از ناکامی‌ها درس عبرت می‌گیرد و به مشاوره‌ها اهمیت می‌دهد و به ترمیم خرابی‌ها می‌پردازد. اسوری که در دنیای امروز به منزله عقبگرد و باخت نیست بلکه جزو مولفه‌های حکمرانی خوب است. دل‌بسته لطف خدا و هدایت پروردگار و حمایت‌های مردم نسبت به دولتی هستیم که دل‌بسته آنیم و نور امید را در دل مردم شریف ایران افروخته است.



نمی‌کشندون که



یوریا عالمی

● «گاز اشک‌آور غیرکشنده است و به‌طور متناسب توسط پلیس و با تبعیت از قانون و استانداردها و معیارهای بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین پلیس کمتر از چیزی که به‌صورت قانونی اجازه دارد، از زور استفاده می‌کند»
این بیانیه را دولت بحرین منتشر کرده. دشمنان هم گرم باز همین که استفاده از گاز اشک‌آور را تکذیب نکردند جای تشکر و قدردانی دارد.
غیرکشنده: با توجه به بیانیه بالا، نتیجه می‌گیریم: ۱- وقتی گاز اشک‌آور می‌زنند قصد ندارند آدم را بکشند.
۲- حتماً قصد دارند خندمدان را دربیابورند، چون آدم تا سرحد مرگ سرفه می‌کند و اشکش درمی‌آید.
دیالوگ یک: - داداش اشکم دراومد... دیگه زن... مُردم مُردم... نفسم بالا نمیاد... نزن جان مادرت...
- چی میگی؟ گاز اشک‌آور که غیرکشنده است. بعدش هم اگه مردی چطوری داری حرف می‌زنی؟ فریب مامور دولت؟ ای کک.
دیالوگ دو: - چیه؟ چرا غر می‌زنی؟ چرا سوسول‌بازی درمیرید؟ گاز اشک‌آور دیگه... نمی‌کشندون که.
متناسب: - عذر می‌خوام آقای پلیس، من آدم قانونمداری هستم. اگه امکان داره سهمیه امروز گاز اشک‌آور بنده رو البته «به‌طور متناسب و با تبعیت از قانون و استانداردها و معیارهای بین‌المللی» نسبت به بنده مورد استفاده قرار دهید. دستتون هم درد نکنه.
دیالوگ ۱: بلندگوی پلیس: سریع متفرق شوید و گر نه «به‌طور متناسب و با تبعیت از قانون و استانداردها و معیارهای بین‌المللی» گاز اشک‌آور تقدیم حضورتون می‌شود.
دیالوگ ۲: - اوخ... اوخ... نفسم بالا نمیاد... آقای پلیس این تناسب رو چطوری رعایت می‌کنی؟
- نسبت معکوس می‌گیرم فرزندم.

سامسونگ

SAMSUNG

جام ۲۰۱۴ با هم با سامسونگ

SMART TV 75F8880

2014

پا به پای تیم ملی، ۱۰۰ نفر دربرزیل
۷۵ میلیون درایران همه با سامسونگ

قرعه‌کشی ۱۰۰ اسفر

برای خریداران تلویزیون های LED/LCD/PDP

فقط با ضمانت ماه سرویس

مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۰۰

برای اطلاع از قوانین و مقررات حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.